

گزارش اجمالی روند جدایی بحرین از ایران در مطبوعات

● نیلوفر کسری

۲۳

مطبوعات ایران در دهه ۴۰ تا ۵۰ تحت نظارت شدید دستگاه‌های سانسور قرار داشتند و نظارت ساواک و دستگاه‌های اطلاعاتی بر مطبوعات به صورت کامل و منسجم اعمال می‌شد.

اخبار سیاسی بدون هیچ تفسیر و نقطه‌نظر به چاپ می‌رسید. اگر در مسئله‌ای هم تحلیل و تفسیری چاپ می‌شد، از مجرای سانسور و نظارت می‌گذشت. در حقیقت همه مطبوعات و رسانه‌های آن دوران «نیمه‌رسمی» و ناشر افکار حکومت بودند. مثلاً در مورد بحرین، هنگامی که در ۲۰ آبان ۱۳۳۶ ش (۱۲ نوامبر ۱۹۵۷ م) در جلسه هیأت وزیران، بحرین استان چهاردهم ایران تعیین شد، فردای آن روز خبر این تصمیم دولت با محتوای یکسان و شاید اندکی اختلاف در جملات در سرخط مهم‌ترین خبرهای داخلی در صفحه نخست روزنامه‌های کشور منتشر شد.^۱

روزنامه اطلاعات به عنوان روزنامه نیمه رسمی ایران در صفحه آخر (ستون اخبار داخلی) نوشت:

به امر شاهنشاه:

بحرین جزو استان‌های کشور محسوب گردید.^۲

همین روزنامه وقتی سه روز بعد کاردار سفارت بریتانیا به دیدار دکتر اردلان، وزیر

وقت امور خارجه، رفت و اعلام نمود که از نظر دولت او بحرین یک کشور مستقل و تحت‌الحمایه دولت بریتانیا است، روزنامه اطلاعات بدون هیچ تفسیر و اظهارنظری در صفحات داخلی نوشت:

طرح مسئله بحرین در وزارت خارجه

ساعت نه‌ونیم صبح امروز آقای جان راسل کاردار سفارت انگلیس در تهران در کاخ وزارت امور خارجه حضور یافت و با آقای دکتر اردلان وزیر امور خارجه ملاقات کرد. مذاکرات وزیر امور خارجه با کاردار انگلیس، قریب سه ربع ساعت به طول انجامید. هنگامی که این دو سرگرم مذاکره بودند، در بین خبرنگاران که در وزارت خارجه اجتماع کرده بودند صحبت از طرح مسئله بحرین در وزارت امور خارجه بود. به طوری که کسب اطلاع شده است، در مذاکرات امروز، کاردار انگلیس به وزیر خارجه اطلاع داده است [که] همان طور که سخنگوی وزارت خارجه انگلیس اعلام نموده مجمع‌الجزایر بحرین یک کشور مستقل عربی است و تحت‌الحمایه دولت بریتانیا قرار دارد، [و بریتانیا] ناچار به دفاع از حقوق این شیخ‌نشین می‌باشد.

به قرار اطلاع وزیر امور خارجه مقارن ساعت ۱۲ امروز در کاخ مرمر به حضور شاهنشاه شرفیاب شد و نتیجه مذاکرات خود را با کاردار انگلیس معروض داشت.^۳

چند ماه بعد روزنامه اطلاعات خبر تشکیل اتحادیه سوم عربی و شرکت بحرین در این اتحادیه را داد و چون هنوز بحرین و حاکمیت آن برای دولتمردان ایرانی حائز اهمیت بود بحث‌هایی در مجلس شورای ملی در این باره شد؛ در جلسه علنی روز یکشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۳۶، دکتر محمدرضا شاهکار، نماینده تهران در مجلس شورای ملی، از دکتر منوچهر اقبال، نخست‌وزیر، خواست تا درباره بحرین و خبری که در روزنامه اطلاعات درج شده بود توضیح دهد. او در این باره گفت:

در روزنامه اطلاعات خواندم که شیخ‌سلمان می‌خواهد وارد اتحادیه سوم عرب بشود. این قدر این حرف مضحک و تأثرآور است که نهایت ندارد. مضحک است از این نظر که در شرایط فعلی، هنوز از اصول و قوانین دنیا و شرایط زمانی اطلاع ندارد. تأثرآور است که روزنامه‌های ما چنین مطلب بی‌سر و تهی را نوشته‌اند و تعجب‌آور است که چرا نخست‌وزیر در این خصوص سکوت اختیار کرده است. لذا از آقای نخست‌وزیر تقاضا دارم بیانیته و توضیح بدهند ما چنین موجودی را نمی‌شناسیم. زیرا بحرین جزء ایران و متعلق به ایران است.^۴

دکتر اقبال در جواب گفت:

گزارش اجمالی روند جدایی بحرین از ایران...



در بدو تشکیل این دولت، آقایان به خاطر دارند که عرض کردم از لحاظ سیاست خارجی، هر دولت وطن‌پرست ایرانی با ممالکی روابط حسنه و دوستی برقرار خواهد کرد که آن ممالک نسبت به اصل حاکمیت و حقوق ایران، احترام متقابل داشته باشند (صحیح است) این رویه تغییر نکرده است و حتم دارم هر دولتی که بعد از این دولت به امر شاهنشاه بیاید، همین رویه را خواهد داشت.

دیشب [بنده در روزنامه اطلاعات] این خبر را خواندم و باعث تأسف شد که شیخ بحرین به ریاض رفته است و می‌خواهد در یک اتحادیه مثلث شرکت نماید. بنده خیال نمی‌کنم که این خبر یک منبع صحیح داشته باشد و این شیخ از این سفر چنین منظوری داشته باشد...

آقایان اطمینان کامل داشته باشند که دولت شاهنشاهی با تمام قوا از حق خود و مخصوصاً از خاک خود دفاع خواهد کرد (احسنت)

رویه ما کاملاً روشن است و اگر کسی چنین کاری بکند ما فوراً برای همیشه با آنها قطع رابطه خواهیم کرد و با تمام قوا از خاک خود دفاع خواهیم نمود.^۵

سه روز بعد در یک مصاحبه مطبوعاتی خبرنگار روزنامه اطلاعات از وزیر امور خارجه می‌پرسد:

به قرار اطلاعی که اخیراً خبرگزاری‌های خارجی منتشر نموده‌اند، قراردادی بین دولت عربستان سعودی و شیخ بحرین امضاء شده است که به موجب آن شیخ بحرین به دولت عربستان اختیار داده است در منطقه معینی به عملیات اکتشافی و استخراج نفت بپردازد. خواهشمندیم بفرمایید آیا این موضوع رسماً به اطلاع دولت ایران رسیده است و واقعیت دارد یا نه؟ و چنانچه واقعیت دارد، از نظر دولت شاهنشاهی و اقدامی که در نظر دارند نسبت به این موضوع بنمایند چیست؟

دکتر علیقلی اردلان وزیر امور خارجه در پاسخ به پرسش خبرنگار گفت:

در تاریخ ۸ اسفندماه در شهر ریاض، قراردادی بین دولت عربستان سعودی و شیخ بحرین به امضا رسید که طبق آن حدود مرزی عربستان سعودی و سرزمین بحرین و مخصوصاً در آب‌های ساحلی معین و مشخص گردیده و ضمناً از طرف شیخ بحرین به عربستان سعودی اختیار داده شده که در منطقه معینی به ترتیبی که مایل باشد به استخراج مواد نفتی پرداخته و نیمی از عواید خالص آن را به شیخ بحرین بپردازد.

در این باره لازم می‌داند بار دیگر مؤکداً اعلام دارد که چون مجمع‌الجزایر بحرین جزء لایتنجرا و لاینفکی از خاک ایران است، این قرارداد از نظر دولت شاهنشاهی کان لم یکن

و فاقد هر نوع پایه و ارزش حقوقی خواهد بود.
بنابراین هر دولت یا شرکت خارجی که به اتکای این قرارداد حقوقی کسب نماید و یا اقدامات اکتشافی و استخراجی بنماید، عمل او غیرقانونی و تجاوزکارانه نسبت به خاک و حقوق ایران تلقی خواهد شد. به علاوه دولت شاهنشاهی حقوق مسلم خود از بابت تعیین حدود مرزی و آب‌های ساحلی و همچنین جبران هرگونه خسارت ناشی از این قرارداد را، محفوظ می‌داند.^۶

زمزمه‌های دست برداشتن از بحرین از اواسط دهه چهل شمسی آغاز شد. دکتر مهدی پیراسته، سفیرکبیر ایران در بغداد، در سال‌های ۴۶-۱۳۴۳، که از طرف شاه مأموریت داشت گزارش‌های مربوط به بحرین را جمع‌آوری و به اطلاع شاه برساند، می‌گوید:
در اولین شرفیابی من شاه فقید ابتدا به ساکن گفت:

... بحرین به چه درد من می‌خورد. دیگر نه مروارید دارد و نه نفت و اگر هم جزو ایران بشود، مثل تسلط اسرائیلی‌ها در خاک فلسطین خواهد شد که همیشه ترور و خونریزی ادامه خواهد داشت...^{۷ و ۸}

۲۷ مقارن همین زمان شاه در روز ۵ شهریور ۱۳۴۵ (۲۷ اوت ۱۹۶۲) به خبرنگار روزنامه گاردین چاپ انگلیس گفت:

با توجه به این که نفت دارد به پایان می‌رسد و مروارید به پایان رسیده است، بحرین از نظر ما، اهمیتی ندارد.

هم‌زمان، وزیر امور خارجه، عباس آرام، به سفیر انگلیس در تهران اعلام کرد:
تا آنجا که به ایران مربوط می‌شود، «بحرین بدون ارزش است» و ایران ممکن است ادعای خود را نسبت به بحرین پس بگیرد...^۹

درست از زمانی که دیدگاه‌های جدیدی درباره بحرین در ذهن شاه شکل گرفت، مطبوعات ایران نیز شروع به انتشار و انعکاس اخبار مربوط به فعالیت انگلیس در منطقه و شیخ‌نشین‌های عرب نمودند. در همین رابطه شاه از سناتور عباس مسعودی مدیرمسئول و صاحب‌امتیاز روزنامه اطلاعات خواست در پوشش یک روزنامه‌نگار سفری به کشورهای خلیج فارس داشته باشد و بدون جلب نظر کنجکاوان با شیوخ منطقه دیدار کرده و نظر آنها و دولت انگلیس را در قالب گزارشی جامع به نظر شاه برساند.

در نیمه‌های شهریورماه ۱۳۴۵، عباس مسعودی به دستور شاه عازم دیدار از شیخ‌نشین‌های خلیج فارس شد. اما قبل از عزیمت، در روز دوم شهریور ۱۳۴۵ به دیدار سفیر بریتانیا در تهران، دنیس رایت، رفت:

[عباس مسعودی] پس از بحث درباره سفر موردنظرش که نخستین دیدارش از منطقه خلیج فارس، غیر از کویت، خواهد بود، وارد بحث درباره هدف از این سفر شد و این که من [دنيس رایت] پیشنهادی درباره چگونگی برخورد با مشکل بحرین دارم. در گفت‌وگو با من، مسعودی یادآور شد که وی با نظر خصوصی ابراز شده شاه هم‌آهنگی دارد (اخیراً شاه به طور خصوصی در روز ۲۷ اوت [۵/۱۹۶۶] شهریور ۱۳۴۵] به کلر هولینگورث از روزنامه گاردین، گفته بود که با توجه به این که نفت دارد به پایان می‌رسد و مروارید به پایان رسیده است، بحرین از نظر او اهمیتی ندارد. چنانچه به یاد می‌آوردید، همان خط سیاسی که شاه سال گذشته در لندن دنبال می‌کرد) و این که ادعای ایران، حالت ناخوش‌آیندی پیدا کرده است. ولی به خاطر حساسیت افکار عمومی، نمی‌شود آن را رها کرد.

وی گفت، می‌داند که شاه درباره سفرش به خلیج فارس با من گفت‌وگو خواهد کرد. من گمان می‌کنم که بدون توافق شاه، مسعودی جرأت این تماس با من درباره بحرین را نمی‌داشت...

مسعودی همچنین پرسید که آیا دولت علیاحضرت [ملکه انگلیس]، برنامه‌ای برای دادن استقلال به بحرین دارد یا نه؟ چرا که در آن صورت، برای دولت ایران نسبتاً آسانتر خواهد بود که هم‌زمان استقلال بحرین را به رسمیت بشناسد.

به مسعودی گفتم، من شادمانم که او این مسئله [بحرین] را با من در میان گذارد. پیش از این بر این گمان بودم که ایرانی‌ها مایل نبودند تا با مسئله بحرین برخورد کنند و به نظر می‌رسید که آنان هیچ اندیشه‌ای نداشتند که درباره آن باید چه کار کنند به نظر من، مهم‌ترین مسئله آموزش افکار عمومی برای پذیرش [این مسئله است] که بحرین در حقیقت یک دارایی ارزشمند برای ایران نیست...

امکان دیگر این است که هنگامی که خیر تقاضای عضویت پیوسته بحرین در [سازمان] یونسکو منتشر می‌شود، می‌بایست مقاله‌های آموزش به جای مقاله‌های پرخاشگرانه در مطبوعات ایران منتشر شوند...^{۱۰}

در پاسخ، عباس مسعودی می‌گوید:

حال حاضر از هر زمان دیگر مناسب‌تر است. زیرا که مطبوعات به طور کامل تحت نظارت دولت است. او افزود که مرحله نخست از عملیات آماده‌سازی افکار عمومی ایرانیان از زمانی آغاز شده است که تحت دستورالعمل شاه، هیچ خبری درباره بحرین منتشر نگردیده است.^{۱۱}

گزارش اجمالی روند جدایی بحرین از ایران...

به این ترتیب مدت چند سال سخنی از بحرین و مردم آن در نشریات ایران به چشم نمی‌خورد و فقط گاه‌گاهی در حاشیه اخبار خارجی و داخلی آن هم در حد چند سطر نامی از بحرین می‌رفت. یعنی دولت برای جلوگیری از واکنش تند افکار عمومی به روزنامه‌ها و دیگر جراید دستور داده بود که از پرداختن به مسئله بحرین خودداری کنند تا رفته رفته مردم حساسیت خود را در این زمینه از دست بدهند. در این میان تنها نشریه پان‌ایرانیست‌ها بود که مسئله بحرین را پی‌گیری می‌کرد.

فرهاد مسعودی فرزند عباس مسعودی در کتاب خود با نام «پیروزی لبخند» درباره نقش پدرش در ماجرای تجزیه بحرین می‌نویسد:

یکی از مهم‌ترین عوامل که همیشه در موقعیت‌های مختلف دستاویز مخالفان دوستی ایران و اعراب قرار می‌گرفت مسئله بحرین بود. ایران بحرین را جزء خاک خود می‌دانست در حالی که از مدت‌ها قبل بحرین نیز مانند سایر امارات عربی به صورت یک شیخ‌نشین مستقل اداره می‌شد. ادعای ایران در مورد بحرین در هر موقعیتی به سوء تفاهمات دامن می‌زد و کسانی که اتحاد و دوستی ایران و کشورهای عربی را مخالف مصالح خویش می‌دانستند چنان وانمود می‌ساختند که ایران دارای مطامع استعماری است و به خاک اعراب چشم دوخته است. آنها دعوی ایران را نسبت به بحرین که متکی به مدارک و اسناد مختلف تاریخی بود نشانه مطامع استعماری دانسته و احساسات اعراب را علیه ایران تحریک می‌کردند. مدیر اطلاعات در سفر خود به شیخ‌نشین‌ها که به سال ۱۳۴۵ انجام گرفت مطالعات دقیقی در مورد بحرین انجام داد و متوجه حقایقی گردید که گرچه خوشایند و رضایت‌بخش نبود ولی به علت آن که از واقعیت‌های انکارناپذیری سرچشمه می‌گرفت می‌بایست مورد توجه قرار گیرد.

او در مطالعات خود به این نتیجه رسید، جمعیت بحرین که در آن زمان ۲۰۰ هزار نفر بود اکثراً از اعراب هستند و ایرانی‌ها که زمانی اکثریت داشتند در جریان وقایع و حوادث و نیز با گذشت زمان به اقلیتی کم‌نفوذ تبدیل شده‌اند. از سوی دیگر نفت بحرین که موجب رونق بازار آن سرزمین را فراهم ساخته بود رو به کاهش گذاشته و جمع درآمد آن در سال به ۵ میلیون لیره رسیده است.

مسئله دیگری که مورد توجه مدیر اطلاعات قرار گرفت، صید مروارید در بحرین بود که از قدیم‌الایام بزرگترین ثروت بحرین محسوب می‌شد. او با نهایت تعجب و تأسف دریافت که به واسطه پیدایش مروارید ژاپنی، بحرین بازار خود را از دست داده و این منبع درآمد به کلی در بحرین به دست فراموشی سپرده شده است زیرا به علت نداشتن بازار فروش، صید مروارید در بحرین برای غواصان و سوداگران به هیچ‌وجه مقرون به صرفه نبود. عباس

مسعودی پس از بازگشت، این مسائل را با صراحت و روشنی مطرح ساخت و این واقعیت تلخ را که برای بسیاری از وطن پرستان متعصب، دردناک و غیرقابل پذیرش بود تشریح کرد. طرح این مسائل که از نظر اولیاء و مسئولان امور پوشیده نبود آن روزها برای مردمی که با مسائل بحرین آشنایی نداشتند خوشایند به نظر نمی رسید. حتی بسیاری از خوانندگان اطلاعات که به بی نظری و وطن پرستی مدیر آن ایمان داشتند مایل نبودند این سخنان را از وی بشنوند. اما این واقعیت را نمی شد انکار کرد که ادعای مالکیت بحرین، سرزمینی که برخلاف تصور تمام امتیازات اقتصادی خود را از دست داده چشمه های نفت آن به پایان نزدیک شده، نه تنها سودی عاید ایران نمی سازد بلکه متضمن زیان های بی شمار است.^{۱۱}

عباس مسعودی در این زمینه به دغل کاری نیز پرداخت و به معامله با شیخ نشین های عرب و انگلیسیان دست زد. بنا به قول نجفقلی خان پسبان، او برای نوشتن سلسله مقالاتی، در راستای سیاست شاه برای آماده سازی زمینه جدایی بحرین، مبلغ ۱۵ میلیون دلار از شیوخ بحرین رشوه گرفت.^{۱۲}

از سوی دیگر سفیر انگلیس نیز در دیدارهایی که با عباس مسعودی داشت، او را قانع می کرد تا شاه را از لحاظ روحی آماده سازد و به او بقبولاند که بحرین دارای منافع ارزشمندی برای ایران نیست و از او خواست تا به آموزش افکار عمومی پرداخته و با چاپ مقالات آموزشی در مطبوعات ایران شرایط را برای پذیرش این امر مهیا سازد.^{۱۳}

اندکی بعد عباس مسعودی به رئیس دفتر شیخ کویت گفت:

شاه منافعی در بحرین ندارد و دو سال است که به مطبوعات اجازه نداده است که مناقشه بحرین را برجسته کنند.^{۱۴}

همچنین به نماینده سیاسی انگلیس در دبی اعلام می کند:

راه حل مهم ترین اختلاف ایران و انگلیس در خلیج فارس در گرو این مسئله است که هر دو طرف بحرین را به گونه یک کشور مستقل بشناسند.^{۱۵}

مسعودی پس از بازگشت از سفر اول خود مجموعه مشاهدات و نظریات خود را به شاه گزارش داد. نتیجه گزارش او، فکر دست برداشتن از بحرین را در شاه تقویت کرد.

پیروز مجتهدزاده در این باره می گوید: «بدیهی است منظور از این که حل مسئله بحرین به ابتکار شخص شاه بود، این است که جز محمدرضا شاه، کس دیگری مسئول این تصمیم نیست. اگر چه برخی افراد مانند ستانور عباس مسعودی تشویق کننده این تصمیم گیری بودند.»^{۱۶}

عباس مسعودی پس از دومین سفر خود به خلیج فارس پس از خروج نیروهای انگلیسی، گزارشی منتشر ساخت:

من در مسافرت اول خود به خلیج فارس و تماس با شیوخ و اهالی کاملاً درک کردم که تمام مردم ساحل نشین خلیج خاصه اعراب نسبت به ادعای ایران بر بحرین تعصب شدید دارند و احساسات خود را در حمایت از بحرین مخفی نمی‌دارند و از بلندگوهای مفرض هم بر این ماجرا دامن می‌زنند، ایران را استعمارطلب نام می‌برند، حملات شدیدی به وسیله رادیو و مطبوعات خود به ایران روا می‌دارند، ما را متعدی و متجاوز قلمداد می‌کنند، ملل عرب را نسبت به ما بدبین می‌سازند و در نتیجه همه مردم آن سوی خلیج در مورد دعای ایران با نظر استعماری به ما می‌نگرند و بالاخره تبلیغات خارجی ما را استعمارگر می‌خوانند و تنها مستمسک و بهانه هم ادعای ما بر مالکیت بحرین است. اعراب آن را قطعه‌ای از خاک خود می‌دانند و عربیت و قومیت و این‌گونه مسائل را پیش می‌کشند و تخم بدبینی را میان مردم می‌پاشند.^{۱۸}

پس از مسعودی، داریوش همایون، بنیانگذار و سردبیر روزنامه آیندگان، نیز در جریان جدایی بحرین از ایران و توجیه آن نقش مهمی ایفا کرد. همایون در نامه‌ای به هویدا، نخست‌وزیر، نوشت که پافشاری ایران بر ادعای مالکیت بر بحرین، چیزی جز ایجاد نارضایتی سیاسی و اجتماعی در منطقه در پی ندارد و باید در پی یک راه‌حل آبرومندانه بود تا ماجرا با کمترین هزینه و جاروجنجال فیصله یابد. او در نامه خود با اشاره به وضعیت حساس منطقه خاورمیانه و خلیج فارس و وضعیت استراتژیک ایران، از تزلزل موقعیت انگلیس به مثابه خطری برای قدرت گرفتن نیروهای خارجی نام می‌برد و به خطر ناصریسم اشاره می‌کند و آن را مانع پیشبرد منافع ایران در منطقه می‌داند. او از دولت ایران می‌خواهد با ایجاد ثبات سیاسی و حفظ امنیت منطقه نقش محوری در آنجا ایفا کند. وی حتی تا آنجا پیش می‌رود که با قاطعیت می‌گوید: «بحرین متعلق به ایران نیست و ما باید دست از ادعاهای خود برداریم.»

وی این شرایط را برای ایران زیانبار می‌داند و اعتقاد دارد برای جلوگیری از این خطر عمده می‌بایست به معامله با استعمارگر پیر پرداخت. شاید اولین جرقه طرح جداسازی بحرین از ایران از سوی او در ذهن دولتمردان ایرانی نقش بسته باشد و سفر عباس مسعودی به شیخ‌نشین‌های منطقه و آن گزارش هم نتیجه این فکر باشد.^{۱۹}

یک سال پس از اعلام بیرون رفتن نیروهای نظامی انگلستان از خلیج فارس، محمدرضا پهلوی به دعوت رسمی دولت هند در دی‌ماه ۱۳۴۷ (ژانویه ۱۹۶۹) به این کشور مسافرت کرد و در مصاحبه‌ای مطبوعاتی درباره مسئله بحرین گفت:

این اولین بار است که من رسماً درباره این مسئله سخن می‌گویم و دقیقاً به سؤالاتی در این زمینه پاسخ می‌دهم. این جزیره [بحرین] صدوپنجاه سال پیش توسط انگلیسی‌ها از وطن ما جدا شده و انگلیسی‌ها یک امپراتوری با یک سیاست استعماری برپا کردند. خود شما با



داریوش همایون بنیانگذار و سردبیر روزنامه آینده‌گان

گوشه‌ای از این سیاست استعماری در هند، آشنا هستید. ولی اینک موقع آن رسیده است که انگلیسی‌ها از این نواحی بروند. باید اعتراف کنم که ما از انگلیس‌ها نخواستیم و یا به آنها نگفتیم که خلیج فارس را تخلیه کنند. آنها داوطلبانه عازم شده‌اند. حرف ما این است حال که آنها می‌خواهند بروند، تخلیه نواحی خلیج فارس باید واقعی و اساسی باشد.

من می‌خواهم یک بار دیگر بیانی را که شخصاً در این زمینه گفته‌ام تکرار کنم و بگویم که اگر انگلیس‌ها از در جلو خارج می‌شوند، نباید از در عقب وارد شوند و نیز نمی‌توانم بپذیرم جزیره‌ای که توسط انگلیس‌ها از کشور ما جدا شده، توسط ایشان ولی به حساب ما به کسانی دیگر داده شود. این اصلی است که ایران نمی‌تواند از آن صرف نظر کند.

ایران از سوی دیگر پیوسته به این سیاست خود دل‌بستگی داشته است که هرگز برای به دست آوردن اراضی و امتیازات ارضی، علی‌رغم تمایل مردم آن سامان، به زور متوسل نشود. من می‌خواهم بگویم که اگر مردم بحرین مایل نباشند به کشور ما ملحق شوند ما هرگز به زور متوسل نخواهیم شد. زیرا این خلاف اصول سیاست دولت ما است که برای گرفتن این سرزمین خود، به زور متوسل شود.

دوماً [کذا فی الاصل]، گرفتن و حفظ کردن سرزمینی که مردم آن با شما ضدیت داشته باشند چه فایده‌ای خواهد داشت. قبل از هر چیز این عمل اشغال محسوب می‌شود. در هر اشغالی شما باید مراقب سلامت و امنیت نیروهای اشغالگر خود باشید و در تمام اوقات، سربازان شما باید در خیابان‌ها پاس بدهند و پیوسته در معرض خطر گلوله، نارنجک و این قبیل مخاطرات باشند.

سیاست و فلسفه ما این است که با اشغال و گرفتن سرزمین‌های دیگر از طریق زور مخالف باشیم. این روشن‌ترین چیزی است که من می‌توانم در این زمینه به شما بگویم اما نمی‌توانیم تحمل کنیم که چیزی را که به ما متعلق بوده است، به کسان دیگری بدهند.^{۲۰}

به دنبال این مصاحبه روزنامه آیندگان شروع به چاپ مقالاتی درباره وضعیت خلیج فارس نمود و سعی کرد که وضعیت آنجا را بحرانی جلوه دهد. این روزنامه، از تصمیم شاه ایران مبنی بر واگذاری تعیین تکلیف حاکمیت بحرین به سازمان ملل متحد شدیداً دفاع می‌کرد.^{۲۱}

همچنین از اقدام ایران مبنی بر دادن اختیار تام به اوتانت دبیرکل سازمان ملل جهت رسیدگی به وضعیت بحرین پشتیبانی نمود^{۲۲} و علت این اقدام را حفظ امنیت و ثبات منطقه خلیج فارس بیان کرد. این روزنامه و روزنامه‌های دیگر به صورت جانبی با مواضع حزب پان‌ایرانیست، که مخالف جدایی بحرین از ایران بود، به مخالفت می‌پرداختند.^{۲۳}

روزنامه آیندگان با چاپ مقاله‌ای تحت عنوان «موقعیت طبیعی و اقتصادی بحرین» نظریات عباس مسعودی را که در روزنامه اطلاعات منتشر می‌شد، تکرار کرد:

بحرین از دیرباز به عنوان یکی از استان‌های ایران شناخته شده است. در سال ۱۹۳۰ با کشف نفت در بحرین این منطقه رونق یافت و نفت جای تجارت مروارید را که در گذشته اهمیت داشت گرفت. ولی سپس با عرضه مروارید مصنوعی به بازار تقاضا برای مروارید طبیعی از بین رفت و نفت تنها محل درآمد مردم این سامان قرار گرفت ولی بعد از مدتی معلوم شد که منابع نفت بحرین برخلاف سایر شیخ‌نشین‌ها ناچیز است و طبق تخمین کارشناسان منابع نفتی تا چند سال دیگر به پایان خواهد رسید.^{۲۴}

روزنامه *آیندگان* برتری و سلطه بر منطقه را پس از خروج انگلستان از خلیج فارس، با اهمیت جلوه می‌داد. به همین دلیل مخالفت کشورها و نشریات عربی را به نحو ویژه‌ای پوشش می‌داد. او با چاپ مقاله‌ای با تیتراژ اصلی روزنامه مبنی بر «اقدام اوتانت در بحرین (توطئه) است»، درباره مخالفت کشورهای عربی با اقدام ایران می‌نویسد:

یمن جنوبی در مورد پیشنهاد ایران به سازمان ملل متحد اعتراض کرد... و اعلام نمود که انگلستان و پاره‌ای از کشورهای استعماری می‌کوشند بحرین را از سرنوشت مشترک دولت‌های خلیج فارس جدا کنند...^{۲۵}

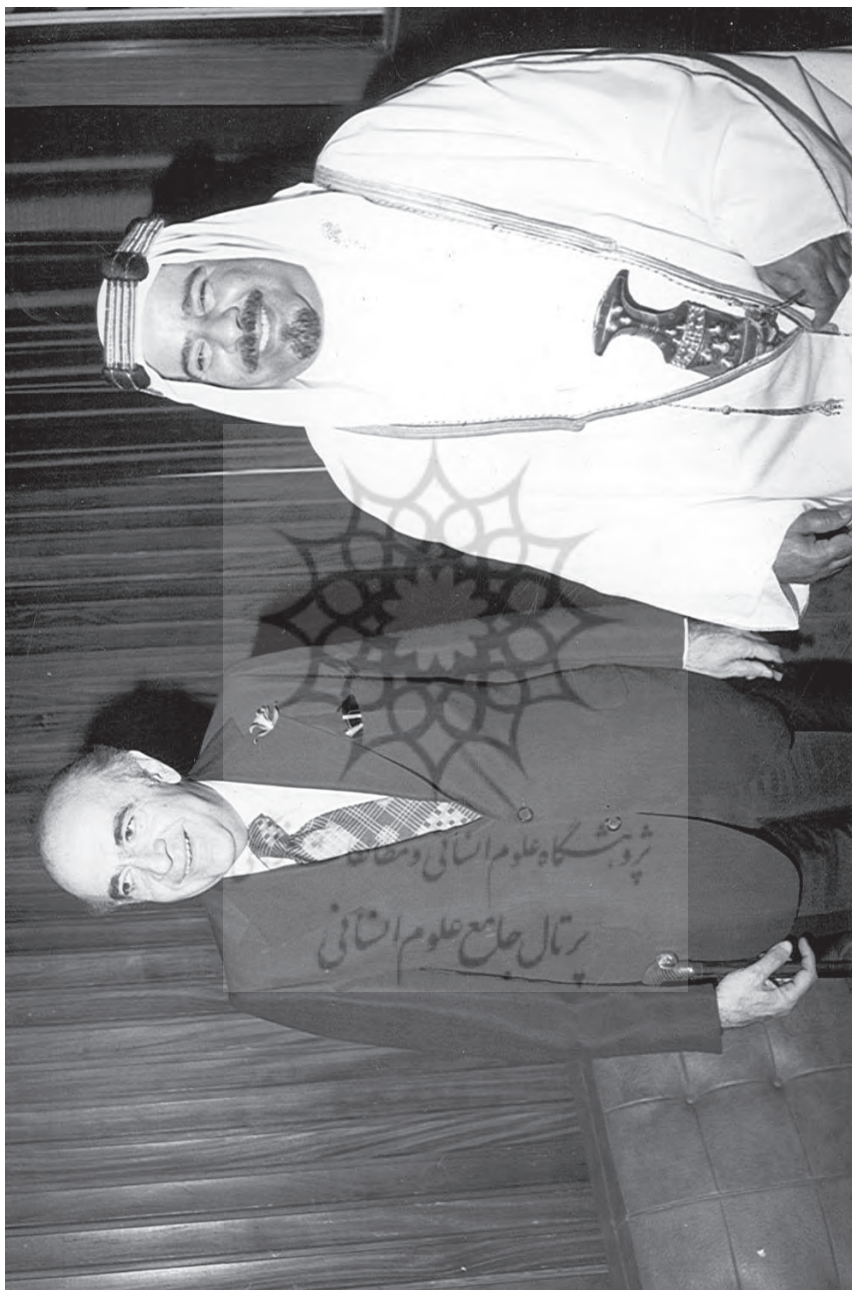
مأموریت حسن‌نیت اوتانت در بحرین مورد انتقاد روزنامه‌های بعضی سوریه قرار گرفته است. روزنامه *البعث* طی مقاله‌ای تصمیم اخیر اوتانت دبیرکل سازمان ملل متحد را ناشی از توطئه بریتانیای کبیر و ایران علیه عربیت خلیج فارس خوانده و اوتانت را متهم می‌سازد که در برابر نظریه انگلیس و ایران تسلیم شده و آشکارا حالت عربیت بحرین را به کنار انداخته است.^{۲۶} روزنامه *آیندگان* بار از تشکیل فدراسیون کشورهای عربی خبر می‌دهد و می‌گوید:

کویت - شیخ صباح‌الاحمد وزیر امور خارجه کویت به مأمورین کمیسیون تحقیق وابسته به سازمان ملل متحد در بحرین اعلام داشت که این مسئله مربوط به مردم بحرین است و امیدوارم که به کمک اوتانت این کار بر اساس مصالح مردم بحرین خاتمه یابد.^{۲۷} حالا دیگر معلوم است که خلیج فارس اگر آبستن حوادث نباشد، آبستن تحولات هست. در دوره جنگ سرد، رقابت ابرقدرت در منطقه خلی «نیابتی» است؛ و اگر قرار است ایران، به عنوان متحد غرب، نقش ویژه‌ای در خلیج فارس بر عهده بگیرد، عراق در کنار گوش او باید ریزه‌خوانی کند. بنابراین پای ارون‌درود و اختلافات مرزی به میان کشیده می‌شود؛ و روزنامه *آیندگان* با بیان نظریات حزب بعث عراق می‌نویسد:

منافع ایران و عربستان در خلیج

کشورهای افراطی عرب می‌خواهند از آب گل‌آلود ماهی بگیرند.

گزارش اجمالی روند جدایی بحرین از ایران...



عیسی بن سلمان شیخ بحرین و امیرعباس هویدا نخست‌وزیر

ایران و عربستان سعودی در منطقه خلیج فارس منافع زیادی دارند که برای حفظ آن خواستار صلح و ثبات در این منطقه هستند و هر دو خواهان عدم نفوذ قدرت‌های دیگر در این منطقه پس از خروج بریتانیا می‌باشند.^{۲۸}

روزنامه آیندگان، همزمان، افکار رسانه‌های غربی درباره سیاست جدید ایران را منتشر می‌کند؛ و بدین طریق هم زمینه را برای اقدام بعدی آماده می‌کند؛ و هم نشان می‌دهد کشورهای دمکراتیک و آزاد اروپایی از سیاست منطقه‌ای ایران حمایت می‌کنند.

ابتکار ایران

روزنامه لوموند چاپ پاریس می‌نویسد: ابتکار ایران به منظور حل مسئله بحرین به صورت انسانی و مسالمت‌آمیز جزئی است از کوشش کلی ایران به منظور بهبود روابط خویش با تمامی کشورهای عرب.

روزنامه سانندی‌تایمز چاپ لندن در مقاله‌ای می‌نویسد حل مسئله بحرین آخرین مانع در راه روابط بسیار نزدیک بین تهران و کشورهای عربی، به ویژه کویت و عربستان سعودی را از میان خواهد برداشت.^{۲۹}

همچنین به طور ضمنی از موافقت دول اروپایی با تسلط ایران بر خلیج فارس خبر می‌دهد و می‌نویسد:

روزنامه فرانکفورتر آلگمانیه چاپ آلمان با عنوان «پیمان دفاعی ایران و کشورهای خلیج فارس و تأمین امنیت در منطقه برای ایران مشکلی ندارد.» به بیان سخنان شاهنشاه ایران پرداخته می‌نویسد: حکومت ایران با وجود مسائل و اغتشاشاتی که در کشورهای همجوار روی داده و می‌دهد ثبات و آرامش کاملی را در کشور حفظ کرده است. ایران به هیچ وجه سعی نمی‌کند که خروج انگلستان از مناطق و حوزه‌های دفاعی مستعمراتی این کشور در خلیج فارس را به تأخیر اندازد بلکه با تمام قوا کوشش می‌ورزد تا با کشورهای عربی مجاور خلیج فارس یک پیمان دفاعی مشترک منعقد کند. با وجود این شاهنشاه معتقدند که ایران باید در صورت لزوم وظیفه دفاع و امنیت خلیج فارس را اساساً بر عهده بگیرد و با اطمینان تأکید می‌کنند که این وظیفه را آینده درخشان اقتصاد ایران به عهده ما می‌گذارد.^{۳۰}

اما این‌ها همه ماجرا نیست؛ در غرب ایران همسایه‌ای مزاحم وجود دارد که او نیز «نیابتاً» ادعاهایی درباره ایران و منطقه دارد:

تفسیرهای رادیو بغداد و الطلیعه

جزایر تنب و ابوموسی به جای بحرین

رادیو بغداد در تفسیر سیاسی خود به اقدام دولت ایران در بحرین حمله کرده و تصمیم

گزارش اجمالی روند جدایی بحرین از ایران...

دولت‌های ایران و انگلستان را توطئه جدید و تجاوز به بحرین خوانده است. رادیو بغداد در تفسیر خود گفت: «با این وسیله می‌خواهند در مورد اقدامات ایران برای هدف جزایر دلیل قانونی بدهند... و ایران نه تنها به آن جزایر چشم طمع دوخته بلکه به منطقه بی‌طرف در جنوب عراق که یک منطقه عربی است نیز طمع دارد و می‌کوشد که آن را به خود ملحق بکند».^{۳۱}

علاوه بر کشورهای عربی، و به ویژه عراق، سازمان‌ها و نهادهای باصطلاح غیردولتی عربی نیز وارد کارزار تبلیغاتی علیه «توسعه‌طلبی ایران» می‌شوند:

کویت - فرانس پرس - ۲ آوریل - چند سازمان و نهضت کویتی پنج‌شنبه اعلامیه‌ای انتشار دادند که در آن مردم خلیج و مردم کویت را به مخالفت با طرح‌های توسعه‌طلبانه ایران در خلیج فارس و به طور کلی در بحرین دعوت کرده‌اند.

این اعلامیه اصل فراندوم بحرین را محکوم می‌کند و آن را شناسایی حق ایران در منطقه می‌شمارد. این اعلامیه روش تسلیم‌جویانه حکومت‌های عرب در برابر طرح امپریالیسم در این منطقه را نیز مورد حمله قرار می‌دهد و می‌گوید مردم عرب خلیج مسلحانه در برابر امپریالیسم انگلیسی و برای آزادی و استقلال و وحدت عربی خلیج قیام می‌کنند.^{۳۲}

۳۷

الطلیعه می‌نویسد: «اشغال این دو جزیره توسط ایران اهمیت استراتژیک دارد و قلمرو فلات قاره ایران را در این نقاط خلیج که دارای منابع ثروتمند نفتی است توسعه می‌دهد و کلیه درها را بر روی نظریات توسعه‌طلبانه در قبال سایر امیرنشین‌های عرب مثل ابوظبی و قطر می‌گشاید. کسانی که اصل فراندوم را در بحرین قبول کردند، عربیت خلیج را به شرط آن که امتیازات به خصوصشان محفوظ بماند مورد تردید قرار دادند».^{۳۳}

در ۲۶ فروردین روزنامه *آیندگان*، پس از یادآوری مسئله تشکیل نشست وزیران پیمان سنتو در تهران و حضور ویلیام راجرز، وزیر خارجه آمریکا، به موضوع و دستور کار کنفرانس یعنی روابط ایران و عراق، وضعیت خلیج فارس پس از خروج نیروهای انگلیسی و «تصمیماتی جهت جلوگیری از نفوذ کمونیسم در خاورمیانه» پرداخت.

نشست دولت انگلیس از دعوی ایران در مورد شط‌العرب حمایت کرد و وزیر خارجه بریتانیا طی گفتگویی اعلام کرد که انگلستان قصد خروج از خلیج فارس و حل مسئله بحرین را دارد.^{۳۴}

آیندگان نیز با تأیید سیاست آمریکا در منطقه نوشت:

پس از خروج نیروهای انگلیس، نقش آمریکا در منطقه خلیج فارس فقط دادن کمک‌های اقتصادی خواهد بود. نقش اول رهبری در خلیج فارس با ایران است.

الیوت ریچاردسون معاون اول وزارت خارجه آمریکا و جوزف سیسکو معاون وزارت خارجه آمریکا در امور خاورمیانه دیروز هنگام ترک ایران در دو مصاحبه مطبوعاتی که به فاصله سه ساعت در پایون دولت فرودگاه مهرآباد صورت گرفت «رهبری» ایران را در منطقه حساس خلیج فارس مورد تأیید قرار دادند و جوزف سیسکو خاطر نشان کرد که ایران باید «نقش اول» را در حفظ ثبات و امنیت خلیج فارس به عهده بگیرد.^{۳۵}

روزنامه پیغام امروز نیز درباره حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس می‌نویسد:

تلاش آمریکا برای حضور نظامی در خلیج فارس

شایعاتی درباره استقرار آمریکاییان در یکی از پادگان‌های نظامی بحرین به گوش می‌رسد ولی آمریکا این مسئله را تکذیب می‌کند.^{۳۶}

در ادامه جنگ سرد و شاید جنگ نیابتی آمریکا و شوروی در خلیج، دولت عراق که بخش مهمی از ارتشش درگیر جنگ با شورشیان کرد است، تلاش می‌کند به نحوی با کردها به تفاهم برسد تا برای تحولات بعدی در خلیج فارس آمادگی داشته باشد. آیندگان در مقاله‌ای تحت عنوان «خلیج فارس میدان مبارزه اصلی عراق» می‌نویسد:

تایمز - بیروت - با پایان یافتن جنگ با کردان، رژیم بعثی عراق نیروهای خود را برای سال آینده، موعد تخلیه خلیج فارس از نیروهای انگلیسی، آماده می‌کند و در کار تصادم مستقیمی با ایران و عربستان سعودی است. در واقع بعثی‌ها تردیدی نگذاشته‌اند که مسئله آینده خلیج فارس را دارای اهمیتی مساوی و حتی بالاتر از مبارزه اعراب با اسرائیل می‌دانند و در فهرست اولویت‌های سیاسی خود در ردیف اول می‌گذارند.

نشانه‌ای از مقاصد بغداد به تازگی نمودار شد. وقتی که فرماندهی پان عرب حزب بعث اعلامیه‌ای داد و در آن از حرکت‌های مشکوک در ناحیه خلیج فارس یاد کرد که به گفته آن قسمتی از طرح‌های امپریالیستی و ارتجاعی هستند و در اشاره اشتباه‌ناپذیری به عربستان سعودی و ارتجاع عرب اشاره می‌کند.^{۳۷}

کم‌کم، دلایل و اسباب تغییر رویکردها و سیاست‌های شاه در خلیج فارس آشکار می‌شود. اگر در جایی از حق خودمان می‌گذریم، حق تاریخی خود را در جایی دیگر مطالبه می‌کنیم. آیندگان در ۲۵ فروردین ۱۳۴۹ به طور مشخص به این امر اشاره می‌کند. «جزایر تنب، حور و ابوموسی کماکان مورد ادعای ایران هستند»^{۳۸}

از سوی دیگر با نقل مصاحبه خبرگزاری فرانسه با شاه ایران می‌نویسد:

لندن - خبرگزاری فرانسه

شاهنشاه ایران ضمن مصاحبه‌ای که با خبرنگار روزنامه تایمز لندن در تهران انجام دادند اظهار

گزارش اجمالی روند جدایی بحرین از ایران...

عقیده کردند که به زودی عصر تازه‌ای برای شیخ‌نشین‌های خلیج فارس آغاز خواهد شد.^{۳۹} در این عصر جدید، ایران «تنها حامی شیخ‌نشین‌های عرب» خواهد بود. آیندگان از قول «شاهنشاه» می‌نویسد:

پس از خروج نیروهای انگلستان از خلیج فارس تنها حامی طبیعی شیخ‌نشین‌های عرب خواهد بود چرا که حتی اگر شیخ‌نشین‌های کوچک عرب موفق شوند در یک فدراسیون گرد هم آیند باز تا آن حد توانا نیستند که بتوانند از خود دفاع کنند.

در مقابل چه؟ قبل از همه علیه شورش چپ‌روهای افراطی که در فضای گشاده این شیخ‌نشین‌ها در کمین نشست‌اند و همچنین علیه جاه‌طلبی‌های عراق. عراق قبلاً نیز در ۱۹۶۱ سعی کرده بود بر کویت دست‌اندازی کند. فردا تنها نیروی نظامی ایران قادر خواهند بود عراق را به احترام به حقوق دیگران وادارند.^{۴۱}

صبح روز ۱ اردیبهشت ۱۳۴۹ تمایل مردم بحرین به استقلال و جدایی بحرین از ایران اعلام شد. به گزارش روزنامه آیندگان بنا بر مشاهدات، هیچ‌گونه فراندومی در بحرین صورت نگرفته بود و تنها نماینده سازمان ملل با گروه‌های خاصی که از سوی هیأت حاکمه آنجا تأیید شده بودند مصاحبه و گزارش خود را تهیه و اوتانت نیز این گزارش را به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارسال کرده بود.^{۴۱} با این وصف، ایران، چنان‌که مقرر بود، نتایج این نظرسنجی را به راحتی پذیرفت.

روز سه‌شنبه ۲۲ اردیبهشت‌ماه ۱۳۴۹ روزنامه آیندگان با تیتیر درشت در صفحه اول نوشت:

بحرین مستقل شد

شورای امنیت گزارش گیچاردی را به اتفاق آراء تصویب کرد سازمان ملل متحد - آسوشیتدپرس - شورای امنیت سازمان ملل متحد در جلسه دیشب خود گزارش نماینده اوتانت را در این باره که اکثریت مردم این مجمع‌الجزایر کوچک واقع در خلیج فارس طرفدار استقلال هستند مورد استقبال قرار داد و آن را به اتفاق آراء تأیید کرد.^{۴۲}

ایران، فوراً استقلال بحرین را به رسمیت شناخت.^{۴۳}

اندکی بعد دولت ایران با تشکیل فدراسیون کشورهای عربی موافقت کرد.^{۴۴}

به دنبال استقلال بحرین، شاه رسماً اعلام کرد پس از خروج انگلستان از منطقه هیچ قدرت خارجی نباید جای آن را بگیرد.^{۴۵}

شایان ذکر است تنها نشریه‌ای که در جریان تجزیه بحرین به ابراز مخالفت با این اقدام پرداخت، نشریه خاک و خون، ارگان حزب پان‌ایرانیست بود که آن هم با این ابراز مخالفت، توقیف شد.

پانوشتها

- ۱- روزنامه‌های آیندگان، اطلاعات و کیهان، سه‌شنبه ۲۱ آبان ۱۳۳۶.
- ۲- روزنامه اطلاعات، سه‌شنبه ۲۱ آبان ۱۳۳۶.
- ۳- روزنامه اطلاعات، پنج‌شنبه ۲۳ آبان ۱۳۳۶.
- ۴- صورت مذاکرات مجلس، ۱۴ اسفند ۱۳۳۶.
- ۵- همان‌جا.
- ۶- روزنامه اطلاعات، دوشنبه ۱۹ اسفند ۱۳۳۶.
- ۷- عیسی پژمان، تاریخ سیاسی بحرین، ص ۲۰۷ (پاریس، آذرماه ۱۳۷۷خ، دسامبر ۱۹۹۸).
- ۸- عجیب است کسی که تا آن زمان ۲۵ سال بر سرزمینی سلطنت و حکومت کرده، و چند سال بعد هم بر سر قبر کورش کبیر، به او اطمینان می‌دهد که آسوده بخوابد زیرا «ما بیداریم و همواره بیدار خواهیم بود»، این اندازه از تاریخ و حقوق قلمرو حکومتش بی‌اطلاع یا نسبت به آن بی‌اعتنا بوده باشد.
- ۹- اسناد سفارت بریتانیا (برگرفته از هوشنگ طالع، تاریخ تجزیه ایران، ص ۱۴۱).
- ۱۰- همان‌جا.
- ۱۱- طالع، تجزیه بحرین، ص ۱۴۳.
- ۱۲- فرهاد مسعودی، پیروزی لیخند (تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۵۴)، صص ۲۵۵-۲۵۴.
- ۱۳- هوشنگ طالع، تاریخ تجزیه ایران، تجزیه بحرین، ص ۱۶۳.
- ۱۴- همان‌جا، ص ۱۶۲.
- ۱۵- همان‌جا، ص ۱۴۳ و نشریات ایران سال ۴۸ و ۴۹.
- ۱۶- همان‌جا، ص ۱۴۴.
- ۱۷- فصلنامه رآورد، مقاله بحرین سرزمین جنبش‌های سیاسی، تألیف پیروز مجتهدزاده، چاپ آمریکا، ش ۳۹.
- ۱۸- فرهاد مسعودی، پیروزی لیخند، صص ۲۵۸-۲۵۷.
- ۱۹- تیراثان، صفاءالدین، وزیر خاکستری، مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر، چاپ اصل سند، ص ۳۱۰-۳۰۵.
- ۲۰- هفته‌نامه بامشاد، چاپ تهران، از ۱۷ تا ۲۴ دی ماه ۱۳۴۷/ایرانیکا، ج ۳، ص ۵۰۹، روزشمار تاریخ ایران، ج ۲، صص ۲۲۵-۲۲۴/روزنامه‌های صبح و عصر ایران، ۱۵ دی ۱۳۴۷ (تهران، گفتار، ۱۳۶۹).
- ۲۱- روزنامه آیندگان، دوشنبه ۱۰ فروردین ۱۳۴۹، سال سوم.
- ۲۲- مشروح سخنان اردشیر زاهدی، ۱۰ فروردین ۱۳۴۹، سال سوم، ش ۶۹.
- ۲۳- همان‌جا، ص ۱۱.
- ۲۴- همان‌جا، صص ۱ و ۱۱.
- ۲۵- روزنامه آیندگان، چهارشنبه ۱۲ فروردین ۱۳۴۹، ش ۶۹، سال ۳.
- ۲۶- همان‌جا.
- ۲۷- همان‌جا.
- ۲۸- روزنامه آیندگان، ۲۲ فروردین ۱۳۴۹، ش ۶۹۹، صص ۱ و ۲.
- ۲۹- روزنامه آیندگان، ۱۲ فروردین ۱۳۴۹، ص ۱۲.
- ۳۰- روزنامه آیندگان، ۱۲ فروردین ۱۳۴۹، صص ۱ و ۱۱.
- ۳۱- روزنامه آیندگان، ۱۵ فروردین ۱۳۴۹، صص ۱ و ۱۱.
- ۳۲- همان‌جا، ص ۱۲.
- ۳۳- روزنامه آیندگان، ۱۵ فروردین ۱۳۴۹، ص ۱۲.
- ۳۴- همان‌جا، ۴۸/۳/۱۳، ش ۷۲، ص ۲.
- ۳۵- روزنامه آیندگان، ۳ اردیبهشت ۱۳۴۹.
- ۳۶- خواندنی‌ها، ۱۳۵۰/۱۱/۲، صص ۱۳-۱۲، س ۳۷.

گزارش اجمالی روند جدایی بحرین از ایران...

۴۰- آیندگان، شنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۹، ص ۵.

۳۸- همان‌جا، ۲۵ فروردین ۱۳۴۹.

۳۹- همان‌جا.

۴۰- روزنامه آیندگان، ۲۵ فروردین ۱۳۴۹ و ۱۳ اردیبهشت ۱۳۴۹.

۴۱- روزنامه آیندگان، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۴۹.

۴۲- روزنامه آیندگان، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۴۹.

۴۳- همان‌جا، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۴۹.

۴۴- همان‌جا، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۹.

۴۵- خواندنی‌ها، ۱۳۴۸/۸/۶، ص ۸ ش ۱۰.





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی